

بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفتگوهای درون‌شخصی زوجین مذهبی برخوردار از سازگاری زناشویی بالا

یاسر رضاپور میرصالح¹، معصومه اسمعیلی²، کیومرث فرحبخش³، محمد سعید ذکایی⁴

تاریخ پذیرش: 92/3/20

تاریخ وصول: 91/8/12

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در گفتگوهای درون‌شخصی زوجین مذهبی برخوردار از رضایت زناشویی بالا بود. این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی بود که با استفاده از مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته در 11 زوج (11 زن و 11 شوهر) مذهبی (مسلمان) برخوردار از سازگاری زناشویی بالا انجام گرفت. این زوجین به صورت نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا جایی ادامه یافت که پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به حالت اشباع برسد. تحلیل داده‌های حال از مصاحبه‌ها هم با استفاده از شیوه کیفی نظریه‌زمینه‌ای انجام شد. نتایج تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی در زوجین موجب شده بود آنها رابطه زناشویی خود را یک نهاد مقدسی ادراک کنند که از سوی خداوند برای رسیدن

1. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی (نویسنده مسئول) yrezapoor@yahoo.com

2. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی masesmaeily@yahoo.com

3. دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی kiiumars@yahoo.com

4. استادیار دانشگاه علامه طباطبایی saeed.zokaiei@gmail.com

به اهداف خاصی (کمال دنیوی و اخروی) تعیین شده است. هستی‌شناسی مذهبی در زوجین که شامل این باور محوری در آنها می‌شد به سه شیوه مستقیم و یک شیوه غیر مستقیم منجر به پیامد های مثبت زناشویی در آنها می‌شد. شیوه های مستقیم هستی‌شناسی مذهبی در زوجین عبارت بود از ادراک حضور و نظارت خداوند بر زندگی زناشویی، انجام اعمال و نیایش های مذهبی و ادراک کمک های خداوند در زندگی زناشویی. شیوه غیر مستقیم تأثیر هستی‌شناسی مذهبی در زوجین نیز الهام گرفتن از احادیث و سبک زندگی زناشویی پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) بود. هستی‌شناسی مذهبی در زوجین از طریق این شیوه ها و فرآیند ها منجر به آرامش و رضایت، بخشش، وفاداری و رسیدن به کمال مادی و معنوی در زوجین می‌شد. یافته های پژوهش حاضر نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی زوجین به شیوه های مختلفی بر زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد و آگاهی از آن می‌تواند ما را در تدوین مدلی برای ارتقاء رضایت زناشویی زوجین از طریق تغییر الگوهای هستی‌شناسی در آنها یاری دهد.

واژگان کلیدی: هستی‌شناسی مذهبی، گفتگوهای درون شخصی، سازگاری زناشویی،

زوجین.

مقدمه

برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ارزش های مذهبی پیش بینی کننده موفقیت زناشویی و طول عمر است (دولاهیت و لامبرت، 2007؛ گودمن و دولاهیت، 2006) و گفته می‌شود مذهب به زندگی افراد اصول و هدف می‌دهد (جانستون، 2007) و در زندگی زناشویی، مذهب می‌تواند معنای محوری برای ازدواج باشد (ماهونی و همکاران، 2003). به دلیل داشتن ارزش های مذهبی، زوجین اغلب به سوی «مقدس کردن» ازدواجشان پیش می‌روند (پارگامنت و ماهونی، 2005، ص 180) و آن را به صورت کیفی جدا از تمام رابطه های دنیوی¹ در نظر می‌گیرند (ایلاید، 1957).

1. other worldly

امروزه دیدگاه‌های وجودی و شناختی، نقش مهمی برای هستی‌شناسی¹ که افراد در نگرش‌ها و باورهای خود دارند قائل هستند. هستی‌شناسی یا همان فلسفه فرد در زندگی و دید او به پدیده‌های هستی، چهارچوبی به باورهای فرد می‌دهد که وی را به سمت رفتارهای خاصی هدایت می‌کند (محمدپور، 1389). هستی‌شناسی با آنچه که وجود دارد، آنچه واقعیت است و آنچه ماهیت جهان است ارتباط دارد. هستی‌شناسی به مطالعه خود هستی پرداخته و بین وجود واقعی و نمود تفاوت قائل می‌شود (محمدپور، 1389). هستی‌شناسی تا اندازه زیادی تحت تأثیر فرهنگ و مذهب قرار دارد. جوامع غربی تعاریف خاص خود از هستی‌شناسی (از مدرنیست گرفته تا پسامدرنیست) دارند، اما بسیاری از افراد در نگرش‌های خود تحت تأثیر هستی‌شناسی قرار دارند که باورهای مذهبی به آنها می‌دهد. در روابط زناشویی نیز مانند دیگر جنبه‌های زندگی، بسیار از افراد تحت تأثیر هستی‌شناسی مذهبی قرار دارند که می‌تواند باعث افزایش تداوم ارتباط آنها و رضایت زناشویی بیشتر در آنها شود. برای مثال، گودمن و دولاهیت (2006) گزارش کردند که برخی از زوجین مذهبی معتقدند که خداوند نهاد ازدواج را آفریده است و ازدواج از اهداف مهمی است که خواسته خداوند است. محققان پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در این زمینه را به سه طبقه تقسیم بندی کردند: فردی، رابطه‌ای و معنوی. در حوزه فردی چندین زوج احساس می‌کردند که خداوند می‌خواهد ازدواج به سمت خشنودی و تکامل فردی پیش برود. در حوزه ارتباطی بسیاری از زوجین نشان دادند که ازدواج شیوه ایده آل زنان و مردان برای برقراری ارتباط، تعهد و مراقبت از یکدیگر است. در نهایت، در حوزه معنوی برخی از زوجین معتقد بودند که ازدواج باعث می‌شود به خداوند نزدیک تر شوند.

دولاهیت و لامبرت (2007) در مطالعه خود با 57 زوج میانسال مسیحی، یهودی و مسلمان که دارای عقاید مذهبی بالا بودند مصاحبه عمیق انجام دادند. آنها برای تحلیل یافته‌های خود از شیوه نظریه زمینه‌ای² استفاده کردند تا شیوه‌هایی که زوجین مذهبی باورها و اعمال خود را

1. ontology
2. grounded theory

کنترل می‌کردند تا نسبت به رابطه زناشویی خود وفادار بمانند توصیف کنند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که زوجین در گزارش‌های خود به چهار شیوه که مذهب موجب حفظ وفاداری زناشویی در آنها می‌شد اشاره کردند: الف) باورها و اعمال مذهبی رابطه زناشویی آنها را مقدس می‌کند و بنابراین کیفیت رابطه زناشویی را بهبود می‌بخشد و بدین طریق به طور غیر مستقیم وفاداری زناشویی را افزایش می‌دهد، ب) پیمان‌ها و درگیری‌های مذهبی¹ رابطه زن و شوهر را با خدا افزایش می‌دهد، ج) مذهب ارزش‌های اخلاقی زوجین را قوی‌تر می‌کند و بنابراین وفاداری زناشویی را افزایش می‌دهد، د) درگیری مذهبی رابطه زن و شوهر را با خدا افزایش می‌دهد که این کار زوجین را ترغیب می‌کند تا از اعمالی مانند خیانت زناشویی که آنها معتقدند خداوند را ناراحت می‌کند اجتناب کنند.

ماهونی و همکارانش (1999) پژوهشی را با 97 زوج با هدف تعیین چگونگی تلفیق مذهب در رابطه زناشویی انجام دادند. یافته‌های آنها نشان از دو سازه مهم داد: کیفیت تقدس ادراک شده ازدواج و ظهور² خداوند در ازدواج. کیفیت تقدس ادراک شده اشاره دارد به چگونگی نگاه افراد به ازدواجشان. زوجین از واژه‌هایی همچون برکت، مقدس³، بهشتی، مذهبی یا معنوی برای توصیف این کیفیت‌ها استفاده می‌کردند. ظهور خداوند اشاره به ادراک زوجین از مشارکت خدا در رابطه‌شان بود. ماهونی و همکارانش (1999) دریافتند که این دو سازه با رضایت زناشویی، بیشتر، درک سود بیشتر از ازدواج، تعارض و پرخاشگری کمتر و همکاری⁴ کلامی بیشتر ارتباط دارد. دولاهیت، هاکینز و پارت (2012) در مطالعه‌ای کیفی به بررسی معنای زندگی در 57 زوج مسیحی، یهودی و مسلمان پرداختند. نتایج تحلیل‌های کیفی آنها نشان داد که موضوع عمده (خارج از سنت‌های دینی) در تمام زوجین این بود که ازدواج یک واحد مقدسی است که «چیزی بیشتر» دارد: چیزی بیشتر از خود، چیزی بیشتر از زوجین و

1. religious vows and involvement
 2. manifestation
 3. blessed, holy
 4. collaboration

چیزی بیشتر از واحد خانواده. برای این زوجین ازدواج یک نهاد الهی بود و یک حمایت مهم برای رابطه شان محسوب می‌شد. این یافته‌ها یک نقطه مقابلی برای مباحث پژوهش‌های امروزه غربی درباره غیررسمی شدن¹ ازدواج و فردگرایی² در ازدواج محسوب می‌شود. دولاهیت و همکارانش (2012) نتیجه می‌گیرند که اشکال رسمی ازدواج ممکن است قدرت خود را در جامعه کنونی برای بسیاری از زوجین مذهبی حفظ کرده باشند و شاید بسیاری از زوجین دیگر نیز معتقد باشند که ازدواج چیزی بیشتر از یک رابطه غیررسمی و خصوصی است که بیشتر محققان امروزه به آن می‌نگرند (دولاهیت و همکاران، 2012).

پژوهش‌هایی که به بررسی ارتباط میان مذهب و رابطه زناشویی متمرکز شده‌اند رو به افزایش است اما پژوهشی وجود ندارد که به بررسی «هستی‌شناسی و فرایندهای در ورای»³ این ارتباط پردازد (مارکس، 2006). هرچند می‌توان تأثیرات مذهب در شکل دهی معنا و هستی‌شناسی زندگی زناشویی افراد را جزء تأثیرات اجتماع و فرهنگ در نظر گرفت، اما به دلیل اینکه مذهب می‌تواند یک مسئله فردی خارج از بافت عمومی اجتماع باشد (برای مثال خانواده‌های مذهبی که در جوامع غیر مذهبی زندگی می‌کنند)، نقش مذهب در شکل دهی هستی‌شناسی زوجین بایستی به طور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد. اکثر پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده‌اند یا به بررسی ارتباط بین اعمال و باورهای مذهبی با جنبه‌های مختلف عملکرد زناشویی پرداخته‌اند و یا اثربخشی آموزه‌های مذهبی را بر عملکرد زناشویی زوجین مورد بررسی قرار داده‌اند، و کمتر پژوهشی یافت می‌شود که دیدگاه (هستی‌شناسی) زوجین مذهبی نسبت به زندگی زناشویی و نقش هستی‌شناسی مذهبی بر افزایش سازگاری زناشویی را به طور کیفی مورد بررسی قرار دهد. پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن اهمیت این موضوع، به بررسی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در (در گفتگوهای کلامی و درون شخصی) زوجین مذهبی دارای سازگاری زناشویی بالا می‌پردازد.

1. deinstitutionalization
 2. individualism
 3. process behind

گفتگوهای درون شخصی

گفتگوهای درون شخصی¹ به هرگونه صحبت کردن فرد با خود و خودگویی‌های وی اطلاق می‌شود. گفتگوهای درون شخصی ممکن است با صدای بلند و یا آهسته و بی صدا صورت گیرد و از طریق آن فرد افکار و احساسات خود را مرور می‌کند، تعبیر و تفسیر می‌کند، و رفتارهای آتی خود را برنامه ریزی می‌کند (سافرن و همکاران، 2000). نگرش‌ها و باورهای زوجین از لحاظ هستی‌شناسی نقش مهمی در ارتباط زناشویی آنها دارد. شاید بتوان گفت، گفتگوها و تعاملات بین زوجین (خصوصاً خودگویی‌های آنها در مورد موضوعات مختلف زناشویی) بهترین موقعیتی است که هستی‌شناسی زوجین در آن تجلی پیدا می‌کند (مارتیگانی، 2011). بررسی‌ها نشان می‌دهد بین زوجین دارای تنیدگی زناشویی و زوجینی که از روابط خود رضایت دارند در ارزش‌های زناشویی و باورهای افراد در باره ماهیت رابطه زناشویی (هستی‌شناسی ازدواج) که در گفتگوهای درون شخصی آنها نمایان می‌شود، تفاوت وجود دارد و بررسی این تفاوت‌ها می‌تواند باعث ارائه الگویی شود که به افزایش رضایت زناشویی زوجین کمک می‌کند (باکوم و همکاران، 1996؛ برادبوری و فینچام، 1993؛ کوردک، 1992).

روش

پژوهش حاضر از نوع مطالعات کیفی² است و جهت اجرای آن از تئوری (نظریه) زمینه‌ای³ استفاده شده است. نظریه زمینه‌ای، دارای مجموعه‌ای از تکنیک‌ها جهت انجام تحقیق کیفی است. ایده‌ی اصلی نظریه زمینه‌ای این است که به جای استفاده از داده‌ها جهت آزمون فرضیه‌های برخاسته از ادبیات پژوهش که در تحقیقات کمی انجام می‌گیرد، از گزارش‌های کلّامی افراد در مورد تجاربشان به عنوان داده استفاده می‌شود. هدف نهایی، فراهم کردن

1. self-statement
2. qualitative research
3. grounded theory

مجموعه ای از مفاهیم نظری است که به بهترین شکل داده‌ها را توصیف کنند. تفاوت مهم و اساسی بین نظریه زمینه‌ای و اشکال صرفاً توصیفی طبقه‌بندی، مثل تحلیل محتوا، این است که کدها و مقوله‌ها از پیش تعیین شده نیستند، بلکه از زمینه داده‌ها برای مقوله‌بندی خود داده‌ها استفاده می‌شود (استراوس و کوربین، 1998).

جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت بود از کلیه کنندگان به برنامه‌های غنی‌سازی ازدواج مرکز مشاوره باب الحوائج شهرستان میبد. شرکت کنندگان برنامه‌های غنی‌سازی ازدواج در این مرکز را عمدتاً زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا تشکیل می‌دهند (البته جامعه و نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی که هدف آن تحلیل عمیق موضوع مورد بررسی است به اندازه تحقیقات کمی اهمیت ندارد؛ هومن، 1380). باس (1980) عنوان می‌کند یک شیوه مناسب برای ایجاد سازه‌های نظری بامعنا¹، با مطالعه بر روی افرادی حاصل می‌شود که در متغیرهای مورد نظر سرآمد یا الگو² باشند. بنابراین با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند (برگ، 2001) زوجین نسبتاً مذهبی و دارای سازگاری زناشویی بالا (بر اساس نمره آنها در مقیاس‌های مربوطه) برای شرکت در پژوهش حاضر انتخاب شدند. علاوه بر ارزیابی‌های اولیه درمانگر از مصاحبه با زوجین، مذهب‌گرایی اسلامی و سازگاری زناشویی آنها به ترتیب با مقیاس‌های بهرامی احسان (1389) و اسپانیر (1976) مورد بررسی و تأیید قرار گرفتند. زوجین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر با توجه به جمعیت غالب جامعه ایران همگی از بین مسلمانان شیعه انتخاب شدند. به دلیل اینکه هدف پژوهش حاضر، تعیین ابعاد هستی‌شناسی مذهبی زوجین نسبت به رابطه زناشویی شان بود، انتخاب نمونه مذهبی اجازه می‌داد تا تمرکز عمیقی بر سؤالات پژوهش داشته باشیم. البته یکی از معایب این شیوه نمونه‌گیری این است که ما

1. meaningful

2. prototypical or exemplary

نمی‌توانیم دریابیم که چگونه مذهب در درجات پایین خودش¹ (زوجین کمتر مذهبی تر) است هستی‌شناسی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. با این وجود، هدف ما مقایسه سطوح مذهب در یک نمونه گسترده نبود بلکه هدف، تمرکز بر زوجینی بود که در متغیرهای موردنظر (مذهب و سازگاری زناشویی) الگو بودند تا بتوانیم داده‌های غنی‌تر و عمیق‌تری به دست آوریم (برگ، 2001). به علاوه، هدف این نمونه‌گیری تعیین چگونگی تأثیر میزان مذهب‌گرایی بر هستی‌شناسی زوجین نبود بلکه هدف درک گسترده این موضوع بود که چگونه مذهب فردی و زوجی² می‌تواند هستی‌شناسی زوجین را نسبت به رابطه زناشویی شان تحت تأثیر قرار دهد. همچنین به دلیل اینکه برای پاسخ‌گویی به سؤالات مصاحبه‌داشتن سطح متوسطی از توانایی‌های شناختی لازم بود، نمونه شرکت‌کننده در پژوهش به صورت هدفمند از بین کسانی انتخاب شدند که حداقل سطح تحصیلات آنها لیسانس بود و دارای توانایی شناختی مناسبی در پاسخ‌گویی به سؤالات مصاحبه بودند. برای ثابت نگه داشتن برخی عوامل زمینه‌ای تنها زوجینی برای مصاحبه انتخاب شدند که بالای 25 سال سن داشتند، حداقل دو سال از مدت ازدواج آنان می‌گذشت و دارای حداقل یک فرزند بودند. به دلیل اینکه پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های کیفی است، تعداد نمونه بر اساس شیوه تئوری زمینه‌ای که برای تحلیل داده‌ها به کار از آن استفاده شد به اندازه‌ای انتخاب شد که حداکثر محتوای کیفی ابعاد هستی‌شناسی مذهبی در خودگویی‌های درون‌شخصی زوجین استخراج شود و به اصطلاح مصاحبه‌ها به حالت اشباع برسند (استراوس و کوربین، 1998). حالت اشباع به وضعیتی گفته می‌شود که پاسخی که شرکت‌کنندگان جدید به سؤالات مصاحبه می‌دهند مشابه همان پاسخ‌هایی باشد که شرکت‌کنندگان قبلی به سؤالات مصاحبه داده‌اند. با توجه به این موضوع، در پژوهش حاضر پس از مصاحبه با 11 زوج (11 زن و 11 شوهر) پاسخ‌های افراد به حالت اشباع رسید و انجام مصاحبه متوقف شد.

1. smaller doses

2. personal and couple religiosity

شیوه مصاحبه

در پژوهش حاضر برای جمع آوری داده‌ها و آگاهی از هستی‌شناسی مذهبی زوجین از رابطه زناشویی‌شان، از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختار یافته نسبت به مصاحبه استاندارد نشده دارای ساختار بیشتر و موضوع محدودتری است و در آن سوالات خاصی از تمام پاسخگویان پرسیده می‌شود. با این وجود به دلیل محاوره‌ای بودن مصاحبه، مصاحبه‌گر آزاد است که سوالات را تغییر دهد و یا ترتیب آنها را به شکلی مناسب‌تر جابجا کند (بیابانگرد، 1386، ص 149). با در نظر گرفتن هدف کلی پژوهش و جنبه‌های مختلف سازگاری زناشویی زوجین، سؤالات مصاحبه طراحی شدند. در مجموع با جمع بندی نظرات کارشناسان آگاه به موضوع (3 روحانی روانشناس) برای اطمینان از روایی محتوایی، 9 سؤال برای انجام مصاحبه انتخاب شد. مطالعه پایلوت بر روی دو زوج انجام گرفت و با بازخوردهای آنها برخی سؤالات بازبینی شدند. سؤالات به طور مستقیم و غیرمستقیم هستی‌شناسی مذهبی زوجین را در رابطه زناشویی‌شان مورد بررسی قرار می‌داد و باورهای مذهبی زوجین را در مورد جنبه‌های مختلف رابطه زناشویی‌شان ارزیابی می‌کرد. همچنین سؤالات به طور مستقیم و غیرمستقیم توجه زوجین را به گفتگوهای درون شخصی‌شان معطوف می‌کرد. به دلیل اینکه مصاحبه حاضر از نوع مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود، مصاحبه‌گر بعد از هر سؤال با توجه به بافت موضوعات مطرح شده، سؤالات پیگیری¹ برای بررسی عمیق‌تر هستی‌شناسی مذهبی زوجین در رابطه زناشویی‌شان مطرح می‌کرد. تمام مصاحبه‌های انجام شده با کسب اجازه از شرکت کنندگان به صورت صوتی ضبط شدند و سپس برای انجام تحلیل‌های بعدی به دقت مصاحبه‌ها روی کاغذ پیاده شدند. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام‌های مستعار برای شرکت کنندگان استفاده شد.

1. follow-up

مقیاس سازگاری زناشویی: این مقیاس توسط اسپانیر در سال 1976 ساخته شده و دارای 32 سوال می باشد (اسپانیر، 1976). تحلیل عاملی نشان داد که این مقیاس چهار بعد رضایت دو نفری، همبستگی دونفری، توافق دو نفری و ابراز محبت تشکیل شده است. نمره کل سازگاری زناشویی از جمع نمرات زیر مقیاس ها بدست می آید و نمره بالا نشان دهنده سازگاری زناشویی بالاتر است. اسپانیر (1976) نشان داد که این مقیاس دارای روایی سازه، همگرا و واگرای مطلوبی است و آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر 0/96 بود. (اسپانیر، 1976). پژوهشی که به منظور بررسی ویژگی های روانسنجی این مقیاس در ایران انجام شد نشان داد که این مقیاس دارای روایی واگرا و همگرای مطلوبی است (ثنایی، 1379). با توجه به اینکه میانگین این مقیاس در نمونه ایرانی $(S=17/8)114/8$ محاسبه شده است (ثنایی، 1379) و کل نمره اکتسابی فرد در این آزمون 151 است، در پژوهش حاضر (به منظور نمونه گیری از زوجین دارای سازگاری زناشویی بالا) افرادی انتخاب شدند که نمره کلی آنها در این مقیاس یک انحراف معیار بالاتر از میانگین جامعه یعنی 132/6 و بالاتر بود.

مقیاس مذهب گرایی اسلامی¹ (IRS): مقیاس مذهب گرایی اسلامی توسط بهرامی احسان در ایران ساخته و هنجاریابی شده است. این آزمون با استفاده از یک الگوی منسوب به امام صادق (ع) که انواع حقوق و وظایف انسان را تعریف می کند طراحی شده است (بهرامی احسان، 1384). این مقیاس دارای 64 ماده است که بر اساس مقیاس 5 درجه ای لیکرت تنظیم شده است. نتایج تحلیل عاملی نشان داد که مقیاس از چهار عامل مذهب گرایی، سازمان نیافتگی مذهبی، ارزنده سازی مذهبی، و کامجویی اشباع شده است (بهرامی احسان، 1384). ضریب پایایی این فرم بین 0/91 و 0/85 بود، همچنین روایی محتوایی² و سازه³ آن نیز بررسی و تایید شده است (بهرامی احسان، 1384). با توجه به اینکه میانگین این خرده مقیاس مذهب گرایی در نمونه ایرانی $(S=14/7) 83/6$ محاسبه شده است (بهرامی احسان، 1384) و کل نمره

1. Islamic Religiosity Scale (IRS)

2. content validity

3. construct validity

اکتسابی فرد در این خرده آزمون 112 است، در پژوهش حاضر (به منظور نمونه گیری از زوجین دارای گرایش های مذهبی بالا) افرادی انتخاب شدند که نمره کلی آنها در این زیر مقیاس یک انحراف معیار بالاتر از میانگین جامعه یعنی 98/3 و بالاتر بود.

شیوه تحلیل داده ها

برای تحلیل داده‌های پژوهش حاضر از شیوه نظریه زمینه‌ای استفاده شد (استراوس و کوربین، 1998). نظریه زمینه‌ای برای شکل دهی سازه‌هایی به کار می‌رود که در زمینه‌ی داده‌ها وجود دارد نه در دیدگاه‌های ازپیش تعیین شده¹ محقق. بر اساس نظر استراوس و کوربین (1998) از شیوه کدگذاری باز استفاده شد که در آن هر واژه، عبارت یا جمله معنی دار به عنوان کدها تعیین می‌شوند. بعد از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه (مقوله‌ها) به طور اولیه گروه بندی شدند و به آنها نام‌های مفهومی اطلاق شد (نام گذاری مقوله‌ها). در مرحله دوم (کدگذاری محوری) ارتباط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها مشخص شد و چارچوب بیشتری به آنها داده شد. به این صورت که فهرست اصلی موضوعات تکرار شده، به شیوه‌های زیر جمع بندی و خلاصه شد: الف) حذف موضوعات دارای اهمیت کمتر و کمتر متداول، و ب) ترکیب موضوعات شبیه به هم برای کاهش آنها به تعدادهای قابل کنترل بیشتر. بعد از این مرحله ما مجدداً متن مصاحبه‌ها را مرور کردیم تا مطمئن شویم که آنها حاوی اطلاعات کافی برای حمایت از هر یک از موضوعات تعیین شده هستند. در نتیجه این کار بعضی از موضوعات حذف شدند یا مورد بازبینی قرار گرفتند. در نهایت، برای «ابطال یافته‌های به دست آمده» (گلیکان، 2005) مقوله‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. این فرآیند شامل تلاش برای ابطال نتیجه گیری‌های اولیه است تا اینکه مشخص شود آنها در یافته‌های نهایی نگه داشته شوند یا خیر. این کار برای ارزیابی روایی یافته‌ها انجام می‌شود (گلیکان، 2005). بعد از کدگذاری و تلاش برای ابطال،

1. preconceived

ما یک الگوی مفهومی ارائه کردیم که به اعتقادمان رابطه بین موضوعات عمده در یافته‌ها را نشان می‌داد.

یافته‌ها

هرچند هریک از شرکت‌کنندگان نقش خداوند را در زندگی زناشویی خود به شیوه منحصربه‌فردی ادراک می‌کردند اما هستی‌شناسی مذهبی در تمام زوجین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر موجب شده بود آنها خداوند را هم در لحظه شروع زندگی مشترک (انتخاب همسر) و هم در طول آن دخیل و همراه خود ببینند. تحلیل دقیق یافته‌ها چندین الگو را مشخص می‌کند که نشان می‌دهد چگونه هستی‌شناسی مذهبی زوجین در زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد و آنها چگونه نقش خداوند را در زندگی زناشویی خود ادراک می‌کنند.

ازدواج به عنوان نهادی که از سوی خداوند تعیین شده است

همه شرکت‌کنندگان پژوهش حاضر معتقد بودند که ازدواج نهاد مقدسی است که از سوی خداوند بنا شده است. با توجه به اینکه خداوند در برخی از آیه‌های قرآن به طور صریح به زوج آفریدن انسان و آفرینش همسر برای آرامش وی اشاره می‌کند و همچنین به علت تأکید بسیار پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) به ازدواج به عنوان سنت زندگی خود، در هستی‌شناسی همه شرکت‌کنندگان، خداوند به عنوان بنیان‌گذار اصلی نهاد مقدس ازدواج وجود داشت. فاطمه، دبیر ادبیات، می‌گفت "خداوند زن و مرد را با یکدیگر خلق کرد، در کنار هم آفرید تا بتوانند بهتر خداوند را عبادت کنند. در کنار هم چون مکمل همدیگر هستند، برای آرامش هم آفرید چون در سایه آرامش است که بندگی صورت می‌گیرد". علی، فروشنده لوازم خانگی، می‌گفت "ازدواج سنت خدا و پیغمبر است، نیمی از دین و ایمان است یک پیمان مشترک و پاک بین زن و شوهر که هر دو طرف باید به آن متعهد باشند". خدیجه، پزشکی که به دلیل مشکلات شوهرش طبابت را رها کرده، می‌گوید "همان‌طور که خدا در

قرآن می‌فرماید، ما زن و شوهر را لباس یکدیگر آفریدیم تا در کنار هم آرامش یابند، ازدواج پیمان مقدسی است که وظیفه ما در آن وفاداری به همسر است."

در دیدگاه تمامی زوجین، ازدواج نهادی بود که خداوند برای رسیدن انسان به اهداف معینی بنا نهاده بود. در زمینه اهداف مقدس خاصی که ازدواج دنبال می‌کند، پاسخ‌های زوجین را می‌شد به دو دسته کلی تقسیم کرد: کمال دنیوی (مادی)، کمال اخروی (معنوی). کمال دنیوی (مادی): برخی از زوجین معتقد بودند که خداوند ازدواج را برای آرامش آنها و همسرشان، رشد در کنار یکدیگر و دست‌یابی به هدف‌های زندگی بنا نهاده است. مصطفی، پرستار 42 ساله می‌گفت "خداوند ازدواج را به این دلیل قرار داده است که ما به کمال برسیم، از گناهان دوری کنیم، نسبت به همسر خود متعهد باشیم و بایکدیگر به اهداف مشترکمان برسیم". مریم، دانشجوی رشته الهیات می‌گفت "خداوند ازدواج را برای تعهد، وفاداری، وظیفه‌شناسی، صداقت و تلاش برای گرم‌نگه داشتن کانون خانواده قرار داد، زیرا که در خانواده‌ای منسجم فرزندی خوب و صالح تربیت می‌شود و از خانواده خوب جامعه به آرامش می‌رسد و هرگاه جامعه به آرامش برسد انسانها راه‌های رسیدن به کمال را بهتر طی می‌کنند". اغلب زوجین معتقد بودند که ازدواج تکمیل‌کننده زندگی فردی است و زن و شوهر در کنار هم هستند که به آرامش می‌رسند و آرامش حاصل از کنارهم بودن موجب بسیاری از پیشرفت‌های انسان است. احمدعلی، یک معلم بازنشسته می‌گفت "خداوند هدف از زندگی زناشویی را به آرامش و تعادل رسیدن قرار داده که با ترکیب زن و مرد آنرا کامل کرده است. زن و مرد برای رسیدن به دنیا و آخرت باید دوشادوش هم تلاش کنند زیرا ویژگی‌های یکی مکمل ویژگی‌های دیگری است به همین دلیل خداوند همه چیز را زوج آفریده است."

کمال اخروی (معنوی): بسیاری از زوجین معتقد بودند هدف نهایی ازدواج رشد معنوی انسان هاست و ازدواج باعث می‌شود از گناهان دوری‌جسته، و به خداوند نزدیکتر شوند. آنها معتقد بودند که زن و مرد در کنار هم می‌توانند به خدا نزدیک شوند و با ازدواج دین آنها کامل می‌شود، رسیدن به معنویات و خداوند به صورت فردی سخت‌تر است و به این دلیل

است که ازدواج سنت خدا و اولیاء دین است. فاطمه دبیر ادبیات می گفت "هدف از خلقت و ازدواج و در کنار هم بودن رسیدن به قرب الی الله و رضایت خدا است. خداوند زن و مرد را در کنار هم آفرید تا بتوانند بهتر خداوند را عبادت کنند کلیدی ترین نقش را در زندگی زناشویی خداوند متعال دارد و هدف ما رضایت اوست". راضیه، یک زن خانه دار، می گفت "وقتی رسول خدا کامل شدن دین را برای افراد در انتخاب همسر و ازدواج بیان می کند به خوبی معنای ارزش ازدواج را در زندگی مشخص می نماید و هدف آن را نزدیک شدن بیشتر به پروردگار و داشتن زندگی پاک تر می داند". با این وجود، اغلب زوجین احساس می کردند خداوند از آنها یک ازدواج موفق می خواهد که وسیله ای باشد برای رشد معنویت بیشتر در آنها و هدف خداوند هدایت معنوی آنها به وسیله داشتن یک زندگی زناشویی خوب است. فرزانه، کارمند یک دفتر نظامی که 5 سال از ازدواج وی می گذشت و با همسرش به دور از خانواده های خود در شهر دیری زندگی می کردند، این گونه نقش خداوند را در زندگی زناشویی خود توضیح می داد:

خداوند در این پیچ و خم های زندگی زناشویی چیزه ی زیادی را می خواهد به ما یاد بدهد و من خیلی درسهای زندگی ام را در شرایط سخت یاد گرفتم... ولی متأسفانه انسان ها از کنار اتفاقات زندگی به سادگی رد می شوند و نگاه نمی کنند، یعنی چشمهایشان را می بندند، اما من از کنار اتفاقات زندگی ام هم به سادگی رد نمی شوم و اعتقاد دارم که خداوند در هر اتفاق کوچکی هم رازی دارد برای هدایت کردنمان.

هستی شناسی مذهبی در ازدواج: اغلب زوجین به ازدواج به عنوان یک تکلیف الهی و طرح خداوند برای سعادت دنیا و آخرت خود نگاه می کردند و یک دیدگاه مذهبی به ازدواج داشتند. همان طور که در بخش بعدی خواهیم دید، اینگونه هستی شناسی مذهبی به آنها اجازه می دهد تا خداوند را به عنوان یک فرد سومی نگاه کنند که در زندگی زناشویی آنها حضور دارد، مراقب پیوند زناشویی آنهاست و به حل مشکلات زناشویی آنها کمک می کند. هستی شناسی این زوجین مذهبی موجب می شود تا آنها پیوند با همسر خویش را به مثابه پیوند با

خداوند در نظر بگیرند و برای حفظ این پیوند مقدس تلاش‌های مضاعفی داشته باشند. تحلیل دقیق‌تر پاسخ‌های زوجین در زیر‌نشان می‌دهد که هستی‌شناسی مذهبی آنها چگونه در زندگی زناشوییشان تجلی پیدا می‌کند و چگونه زوجین مذهبی زندگی زناشویی خودشان را با زندگی دینی‌شان پیوند می‌زنند و این هستی‌شناسی چه پیامدهای مثبتی در زندگی آنها دارد.

حضور و نظارت خداوند

هستی‌شناسی مذهبی زوجین موجب می‌شود آنها خداوند را به صورت مستقیم و غیرمستقیم در زندگی زناشویی خود ادراک کنند. یکی از شیوه‌هایی که زوجین به صورت مستقیم خداوند را در زندگی زناشویی خود ادراک می‌کردند، احساس حضور و نظارت خداوند بر زندگی زناشویی آنها بود. طبق باور مسلمانان، خداوند همواره در کنار آنها حضور دارد و ناظر بر اعمال آنهاست. در زندگی زناشویی نیز این هستی‌شناسی موجب شده بود زوجین خداوند را در کنار خود و ناظر بر پیوند زناشوییشان ببینند و پیوند و تعهدی که به همسرشان دارند را مانند پیوند و تعهدی بدانند که به خداوند دارند. هرچند حضور و نظارت خداوند در زندگی زناشویی با ادراک زوجین از کمک خداوند در حل مشکلات زناشویی خود همراه بود، اما ما کمک‌های خداوند را به عنوان شیوه (یک‌کد) جداگانه دیگری در نظر گرفتیم که به هستی‌شناسی مذهبی زوجین بر می‌گردد. ادراک زوجین از حضور و نظارت خداوند بر زندگی زناشوییشان را می‌توان به بخش‌های زیر تقسیم کرد.

حضور خداوند در انتخاب همسر: بسیاری از زوجین اولین جایی که به نقش خداوند در زندگی زناشویی خود اشاره می‌کردند، حضور خداوند در انتخاب همسر توسط آنها بود. ادراک زوجین از حضور خداوند در انتخاب همسر و در نظر گرفتن معیارهای مذهبی برای انتخاب همسر موجب شده بود از همان ابتدا با دیدگاه مذهبی به زندگی زناشویی خود نگاه کنند. فرزانه، کارمند یک دفتر نظامی، می‌گفت:

من همیشه فکر می‌کردم اگر خودم می‌خواستم انتخاب کنم این انتخاب را نمی‌کردم، اما وقتی با دیدگاه خدایی انتخاب کردم یعنی خدا همسرم را در زندگی من قرار داد، زندگی من به گونه‌ای دیگر رقم خورد..... مذهب خیلی در انتخاب مهم است من احساس می‌کنم چون همسرم را با معیارهای مذهبی انتخاب کردم کمتر مشکلی بین ما پیش می‌آید. خیلی از مشکلاتی که جوانهای امروز دارند ما نداریم. سطح توقعات ما بخاطر مذهبی بودن پایین تر از بقیه جوانان است. مثلاً ما عروسی نگرفتیم با اینکه می‌توانستیم بگیریم چون خیلی همدل بودیم و اکنون نیز پشیمان نشدیم.

برخی از زوجین احساس می‌کردند که اگر خداوند در انتخاب همسر به آنها کمک نمی‌کرد و فرد دیگری که مدنظرشان بود انتخاب می‌کردند اکنون با مشکل مواجه بودند. مصطفی پرستار 42 ساله می‌گفت "من حضور خداوند را از همان ابتدا در زندگی احساس کردم، وقتی خداوند مرا در انتخاب همسر ایده آلم یاری نمود تا بتوانم با تفاهم به زندگی زناشویی خود ادامه بدهم بعدها متوجه شدم اگر فرد دیگری که مدنظرم بود انتخاب می‌کردم انقدر باهم تفاهم نداشتیم".

نظارت خداوند بر زندگی زناشویی: باور مسلمانان این است که خداوند در همه حال بر اعمال و افکار آنها ناظر است و وظیفه آنهاست که مراقب باشند رفتارهای خود را بر مبنای آنچه خداوند در زندگی زناشویی آنها می‌خواهد تنظیم کنند، تا بدین ترتیب بتوانند رضایت خداوند را در زندگی بدست بیاورند و از الطاف او نسبت به خود بهره گیرند. اغلب زوجین با این هستی شناسی نسبت به زندگی زناشویی، خداوند را ناظر بر پیمان و تعهد زناشویی خود می‌دیدند و سعی می‌کردند در مقابل همسرشان بهترین رفتار را که شایسته نظارت خداوند است انجام دهند. اکبر، بازنشسته اداره بیمه می‌گفت "خداوند در همه حال ناظر بر اعمال ماست و ما برای خشنودی و رضایت او در زندگی خود تمام تلاش خود را انجام می‌دهیم و همین باعث می‌شود در انجام وظایف زناشویی خود کوتاهی نکنیم"، محمدعلی، یک مغازه دار 38 ساله می‌گفت "وقتی می‌بینم خداوند ناظر بر اعمال و گفتار من است، سعی می‌کنم نسبت به همسرم

بهترین رفتار را داشته باشم و او را نرنجانم تا خداوند از این کار من نرنجد..... هر کسی که میل به کمال دارد باید به همسر خود تعهد داشته باشد و کسی که خدا را ناظر می‌داند هیچ وقت خیانت نمی‌کند". اغلب زوجینی که احساس می‌کردند خداوند به رابطه زناشویی آنها نظارت دارد، سعی می‌کردند که رفتارهای زناشویی خود را به گونه‌ای انجام دهند که خداوندی که ناظر آنهاست از آنها راضی باشد. آنها احساس می‌کردند که نظارت خداوند بر رابطه شان، باعث می‌شوند آنها برای بدست آوردن رضایت خداوند، رابطه خود را بهبود بخشند. زهرا، مادر دو کودک می‌گفت "وقتی انسان هر کاری را برای رضای خداوند انجام دهد و خدا را ناظر بر زندگی زناشویی خود بداند، سعی می‌کند که روابط زناشویی خود را نیز بر مبنای رضای خداوند بنا کند..... من سعی می‌کنم با همسرم بهترین رفتار را داشته باشم، اگر مشکلی بین ما پیش بیاید سریع در جهت رفع آن تلاش کنم، و به همسرم می‌گویم خداوند رفتارهای ما را اکنون مشاهده می‌کند، باید سعی کنیم با بهبود روابطمان رضایت او را بدست آوریم".

حکمت و تقدیر خداوند در زندگی زناشویی: اغلب زوجین باورداشتند چون خداوند به همه چیز قادر مطلق است، و تمام رازهای امور را می‌داند، و از طرفی دیگر بهترین چیزها را برای زندگی آنها می‌خواهد، بنابراین بعضی از اتفاقاتی که در زندگی زناشویی آنها می‌افتد، حکمت و تقدیر خداوند در آن وجود دارد و بنابراین در نهایت آن اتفاقات به نفع آنهاست. آنها احساس می‌کردند که برخی حوادث نشان دهنده حکمت خداوند و حضور وی در کنار آنهاست. حسن، کارمند بازنشسته شهرداری، می‌گفت "درست است که ما مشکلات خاصی در زندگی زناشویی خود داریم، خصوصاً مشکلات اقتصادی، اما هیچ کار خدا بی حکمت نیست و من می‌دانم حتماً صلاح من و همسرم در این بوده..... خیلی مؤثر است که ما خودمان را بسپاریم به کسی که اون بالا هست (خداوند)، او حواسش به ما هست، هوایمان را سخت دارد و اگر مشکلی پیش می‌آید می‌گویم او اینچنین خواسته و هیچ کار خدا بی حکمت نیست". اعتقاد زوجین به قراردادان بهترین‌ها از سوی خداوند برای آنها، موجب می‌شد که آنها همیشه به لطف الهی در زندگی زناشویی خود و بدست آوردن شرایط بهتر امیدوار باشند.

مهری، مربی خیاطی می گفت "خداوند در کنار ما همیشه حضور دارد و بهترین چیزها را برای ما می خواهد، ما سعی کردیم همیشه در مقابل مشکلات صبر کنیم و چشمانمان به امید خدا باشد. من و شوهرم معتقدیم خداوند بهترین تقدیر را برای ما رقم خواهد زد، البته این به این معنی نیست که ما تلاش خود را در بهتر کردن شرایط زندگی زناشویمان انجام ندهیم".

پیروی از دستورات خداوند درباره رابطه زناشویی: مسلمانان باور دارند که قرآن برای هدایت انسان‌ها از سوی خداوند نازل شده است. بنابراین بسیاری از زوجین مذهبی به دنبال آموزه‌هایی بودند که خداوند درباره زندگی زناشویی در قرآن آورده است. هستی‌شناسی مذهبی در آنها موجب شده بود تا یکی از راه‌های حضور خداوند در زندگی زناشویی خود را پیروی از دستورات وی و مسئولیت‌های تعیین شده از سوی خداوند (که عمدتاً در قرآن آورده شده‌اند) در زندگی زناشویی بدانند. زهرا، مادر دو کودک، می گفت "هنگامی که خداوند حکیم در قرآن سفارش به قبول سرپرستی مرد در زندگی و دیگر امور از این قبیل می نماید به خودی خود نقش خداوند در زندگی زناشویی مشخص می گردد..... آن جا که خداوند خدمت زن در خانه را ایفای جهاد اکبر بر می شمرد این تعهد را به جان دل از طرف خدا در برابر همسر خود پذیرا می گردم تا بتوانم رحمت خداوند را نیز در زندگی ببینم". مصطفی پرستار 42 ساله می گفت:

"این خداوند است که وظایف مرد را در برابر زنش مشخص می کند و احکام الهی هستند که مرد را متعهد می کند به انجام کارها. تعهدات و دستورات بازدارنده دین هست که او را از سر باز زدن از بعضی کارها که مانع رضایت زناشویی است باز می دارد..... اگر بتوانیم این وظایف را به خوبی انجام دهیم خداوند نیز ما را از الطاف خودش بهره‌مند خواهد ساخت، مشکلاتمان با کمک وی حل خواهد شد و خوشبخت تر خواهیم بود"

ما پیروی از دستورات خداوند درباره رابطه زناشویی را جزئی از حضور و نظارت خداوند طبقه بندی کردیم. زیرا زوجینی که در دیدگاه مذهبی خود خداوند را ناظر بر اعمالشان

می‌دانند، معمولاً به دنبال این هستند که ببینند خداوند در هر موقعیتی از آنها چه چیزی انتظار دارد و چه تکلیفی را به دوش آنها نهاده است.

دیدن سختی‌ها به عنوان امتحان‌های الهی: هستی‌شناسی مذهبی به ازدواج در بسیاری از زوجین موجب شده بود آنها مشکلاتی که در رابطه زناشویی شان وجود دارد را به امتحان الهی نسبت دهند که باید بتوانند از آن سربلند بیرون بیایند. بیشتر زوجین معتقد بودند که زندگی زناشویی آنها مشکلاتی هم دارد و به طور کلی، اجتناب از مشکل در زندگی زناشویی اجتناب ناپذیر است، اما برخی از این مشکلات آزمون‌هایی هستند که خداوند برای اطمینان از باورهای دینی آنها سر راهشان قرار داده است و آنها بایستی با توجه به این نکته که خداوند همیشه در کنار آنهاست، سعی کنند این مشکلات را پشت سر بگذارند. امیرمحمد، مهندس ساختمان، مشکلات زندگی را نوعی امتحان الهی در برابر سختی‌ها و امتحان صبر می‌نامید. وی می‌گفت:

"بعضی وقت‌ها خداوند با مشکلات ما می‌خواهد ایمان ما را امتحان کند، مشکل در زندگی همه وجود دارد، البته ما هم مثل هر زن و شوهری با هم بحث میکنیم و تو زندگی مشکل زیاد داریم از جمله مشکلات اقتصادی که امروزه گریبانگیر خیلی خانواده‌هاست ولی همیشه تو کلمون به خدا بوده هست و معتقدیم بعد از هر سختی آسانی است"

برخی از زوجین نیز معتقد بودند اگر از امتحانات خداوند به سلامت عبور کنند و بتوانند چیزی که خداوند از آنها در آن زمان می‌خواهد انجام دهند، لطف خداوند به زندگی زناشویی آنها بیشتر شده و رابطه آنها مستحکم‌تر خواهد شد. در نتیجه، این زوجین از مشکلات به عنوان راهی برای تقویت رابطه زناشویی خود استفاده می‌کردند. هانیه، مادر یک کودک معلول می‌گفت:

خداوند می‌فرماید که ما انسان را در رنج و سختی آفریدیم و صاحبان بصیرت باید از این نکته عبرت گیرند. البته هیچ امتحانی بیش از حد توانایی‌های ما وجود ندارد.....گاهی اوقات مشکلاتی در زندگی زناشویی ما وجود داشته است که بعدها من و همسر من متوجه

شدیم خداوند می‌خواسته ما را به وسیله آنها امتحان کند، و وقتی توانستیم آن مشکلات را پشت سر بگذاریم متوجه شدیم که چقدر رابطه زناشویی ما محکم تر شده است و گویا خیری در این مشکلات نهفته بوده است.

اعمال و نیایش های مذهبی

یکی دیگر از شیوه هایی که به وسیله آن هستی شناسی مذهبی به طور مستقیم بر زندگی زناشویی زوجین مذهبی اثر می‌گذارد، از طریق اعمال و نیایش های مذهبی است. اعمال و نیایش های مذهبی چون فعالیت هایی هستند که توسط خود فرد صورت می‌گیرند، ما آنها را مستقل از حضور و نظارت خداوند به عنوان یک طبقه جدید کدگذاری کردیم. اعمال و نیایش های مذهبی جزئی از زندگی هر فرد مذهبی به عنوان شیوه برقراری ارتباط با خداوند هستند (مانند نماز خواندن، دعا کردن، نذر کردن). بنابراین، همان گونه که انتظار می‌رفت هستی شناسی مذهبی در زوجین نیز باعث می‌شد آنها از اعمال و نیایش های مذهبی برای برقراری ارتباط زندگی زناشویی خود با خداوند استفاده کنند و از این طریق نقش خداوند را در زندگی زناشویی خود احساس کنند. تحلیل پاسخ های زوجین نشان داد که اعمال و نیایش های مذهبی به چهار شیوه نقش خداوند را در زندگی زناشویی آنها نشان می‌دهد: الف) نیایش و دعا برای حل مشکلات زناشویی، ب) انجام مشترک اعمال مذهبی به عنوان عاملی برای نزدیک شدن به هم، ج) رعایت شئون اسلامی عاملی در حفظ رضایت زناشویی، و د) روحیه الهی در زندگی مشترک با استفاده از اعمال مذهبی.

نیایش و دعا برای حل مشکلات زناشویی: اغلب زوجین مذهبی هنگام بروز تعارضات زناشویی با دعا کردن از درگاه خداوند کمک می‌خواهند و با نیایش کردن (بیشتر با نماز خواندن) سعی در پیوند خداوند با زندگی زناشویی خود داشتند. غلام رضا، فرهنگی بازنشسته می‌گفت "من با دعا کردن از خدا می‌خواهم که در زندگی من مداخله کند و آرامش لازم را به من و همسرم برای حل مشکلاتمان بدهد". معصومه، دبیر زبان انگلیسی می‌گفت "این

عبادت ها و ایمان ماست که سبب می شود که در برخورد با اعضای خانواده و بخصوص همسر خود دارای گذشت و مهربانی باشیم و با خوشرویی بتوانیم زندگی خود را ادامه بدهیم هنگامی که ما خدا را عبادت می کنیم وی هم دعاهايمان را مستجاب می کند و به ما در حل مشکلاتمان کمک می کند". برخی دیگر از زوجین معتقد بودند معتقد آرامشی که از نیایش با خدا کسب می کنند به آنها قدرت می دهد تا مشکلات زندگی خود را حل کنند. حسن، کارمند بازنشسته شهرداری، می گفت:

خداوند در قرآن می فرماید با ذکر خدا قلب ها آرام می گیرد. برای حل و فصل کردن مشکلات ناشویی نیز به قلب آرامی احتیاج داریم..... خیلی وقت ها وقتی بین من و همسرم مشکلی به وجود می آید انجام اعمال مذهبی مثل نماز خواندن و دعا کردن باعث می شود عصبانیت من فروکش کند، آرام تر شوم و بتوانم بهتر موقعیت را درک کنم و با همسرم کنار بیایم.

انجام مشترک اعمال مذهبی به عنوان عاملی برای نزدیک شدن به هم: برخی از زوجینی که هر دو از لحاظ مذهبی قوی بودند، اشاره می کردند که بسیاری از روابط نزدیک آنها به علت فعالیت های مشترک مذهبی است که با یکدیگر انجام می دهند. فعالیت و برنامه ریزی های مشترکی که این زوجین برای انجام اعمال مذهبی داشتند، تعاملات آنها را گسترش داده و به عنوان عاملی برای نزدیک تر شدن آنها به هم تبدیل می شد. لیلی، دانشجوی مدیریت می گفت:

ما باهم به مسجد و خیلی مراسمات مختلف مذهبی می رویم. از زمانیکه به مسجد می آییم احساس می کنم روحیه ام را به تعادل نزدیک کرده است. انجام این مراسم ها به طور مشترک باعث می شود که احساس همدلی زیادی بکنیم و با یکدیگر صمیمت بیشتری داشته باشیم.

مهری، مربی خیاطی می گفت "فعالیت های مشترک مذهبی باعث می شود ما موضوعات بیشتری برای صحبت کردن با هم داشته باشیم..... درباره این فعالیت های مشترک صحبت

می‌کنیم و همین باعث محبت بیشتری بین ما شده است و احساس می‌کنیم نقاط مشترک بیشتری با هم داریم."

رعایت ارزش‌های اسلامی عاملی در حفظ رضایت زناشویی، قیودات و ارزش‌های مذهبی معمولاً شامل رفتارهایی می‌شود که تبعات مثبتی برای انسان دارد و انجام آنها در مذهب توصیه شده است مانند گناه نکردن، به دیگران آزار نرساندن. بسیاری از ارزش‌های مذهبی در زندگی زناشویی توصیه شده‌اند مانند عدم خیانت به همسر، حفظ احترام همسر، خوش اخلاقی و مهربانی با فرزندان و همسر. بنابراین همانطور که انتظار می‌رفت هستی‌شناسی مذهبی در زوجین باعث شده بود آنها یکسری از اعمال توصیه شده مذهبی را در زندگی زناشویی خود به کار برند و از بعضی از اعمال هم خودداری کنند. این اعمال که عمدتاً در خارج از حوزه مذهب به عنوان فعالیت‌های اخلاقی شناخته می‌شود، می‌تواند از سوی زوجین به عنوان عاملی در جهت نزدیک کردن رابطه زناشویی به خداوند باشد. مهدی، یک مبلغ مذهبی می‌گفت "رعایت ارزش‌های اسلامی و اخلاقیات توصیه شده دینی موجب حفظ زندگی زناشویی می‌شود و احترام متقابل و حفظ ارزش‌های انسانی را در زندگی زناشویی به دنبال دارد". سکینه که یک زن کارمند بود معتقد بود ارزش‌های مذهبی عامل مهمی در حفظ رابطه زناشویی بوده‌اند که به آنها واژه «ارزش» اطلاق می‌شود. وی می‌گفت:

"خداوند به ما رفتارهایی توصیه کرده که در زندگی زناشویی انجام دهیم. ارزش‌های معنوی تمامی دستورات دین و احکام الهی است که موجبات پیشرفت معنوی و اخلاقی یک زن و شوهر و به تبع زندگی مادی آنها را فراهم می‌کند و این ارزشها زمانی که برای رضای خدا باشند زندگی مشترک را رنگ و بوی خدایی می‌دهد و به زندگی ارزش و معنا واقعی می‌بخشد"

روحیه الهی در زندگی مشترک با استفاده از اعمال مذهبی: بسیاری از زوجین احساس می‌کردند وقتی همواره یاد خداوند و فعالیت‌های مذهبی در زندگی آنها وجود داشته باشد، فضای معنوی بر زندگی آنها حاکم می‌شود و می‌توانند تحت تأثیر این موقعیت رضایت بیشتری

از زندگی زناشویی داشته باشند و در آرامش بیشتری مشکلات خود را حل کنند. هرچند روحیه الهی در سه مورد بالا نیز وجود دارد، اما به دلیل اینکه به دست آوردن فضای معنوی در زندگی زناشویی مستلزم انجام مستمر و مداوم سه مورد دیگر، یعنی دعا، رعایت ارزش‌های مذهبی و داشتن فعالیت‌های مشترک مذهبی است، ما این شیوه را به عنوان یک کد جدید کدگذاری کردیم. فاطمه، دبیر ادبیات در این باره می‌گفت "هرزندگی مشترک که بر محوریت الهی دور بزند باید احکام و دستورات الهی در آن انجام گیرد و این اعمال مذهبی هستند که انسان را به خدا نزدیک می‌کند و روحیه الهی را وارد زندگی مشترک می‌کند". مهدی، یک مبلغ مذهبی می‌گفت:

من نفس خودم را هدایت کرده‌ام که همواره از خدا تبعیت کند، فرمان‌های او را اجرا کند و او را در زندگی زناشویی محور قرار داده‌ام. سعی می‌کنم از دیدگاه خداوند به زندگی زناشویی نگاه کنم و برنامه زندگی زناشویی خود را در راه رسیدن به او تنظیم کنم..... به همسر می‌گویم در زندگی ما خدا محوری باید وجود داشته باشد، مرد یا زن سالاری وجود هرگز، حق سالاری باید وجود داشته باشد. این چنین است که زندگی زناشویی هم نوعی زندگی الهی می‌شود

کمک‌های خداوند

یکی از شیوه‌های دیگری که به وسیله آن زوجین معتقد بودند خداوند در زندگی زناشویی آنها به طور مستقیم نقش دارد، ادراک آنها از کمک‌های خداوند بود. هرچند کمک گرفتن از خدا در زوجین عمدتاً در نیایش‌ها و اعمال مذهبی آنها انجام می‌شد، اما چون زوجین از نیایش و اعمال مذهبی برای گرفتن آرامش و قدرت در موقعیت‌ها و حل کردن شخصی مسائل نیز انجام می‌دادند، ما کمک‌های خداوند را به عنوان یک طبقه جدید کدگذاری کردیم. ادراک زوجین از کمک‌های خداوند شامل سه قسمت می‌شد که در زیر توضیح هریک از آنها می‌آید:

توکل به خداوند در حل مشکلات زناشویی: تمامی زوجین هنگامی که با موقعیت مشکل در زندگی زناشویی خود مواجه می‌شدند از واژه «توکل» برای کمک گرفتن از خداوند استفاده می‌کردند. در مذهب مسلمانان، توکل به معنای «تلاش کردن برای حل یک مشکل و درعین حال آن را به قدرت بالاتر یعنی خداوند واگذار کردن» است. بسیاری از زوجین در گفته‌هایشان ذکر کردند که وقتی به خداوند توکل کرده‌اند، خداوند نیز به آنها در حل مشکلاتشان کمک کرده است. فاطمه دبیر ادبیات می‌گفت: "من بارها احساس کرده‌ام وقتی که در زندگی زناشویی خود با مرارت‌ها و سختی‌ها روبه‌رو می‌شوم و با توکل بر خداوند و یاری او این سختی‌ها آسان می‌شوند نقش خداوند را در کنار خود حس کرده‌ام..... خداوند حلال همه مشکلات است و با توکل بر او می‌توان سختی‌ها رو آسان کرد". هانیه، مادر یک کودک معلول می‌گفت:

در خیلی مواقع در انجام کارها و در تصمیمات مهم وقتی به خدا توکل کردیم به ما کمک کرد تا تصمیم صحیح را بگیریم و کار درست را انجام بدهیم..... انجایی که در اوج ناامیدی یاریم رساند و انجایی که در وقت نیاز شدید صدایش زدم و به او توکل کردم او رنگ زندگیم را عوض کرد.

خداوند به عنوان پیوند دهنده و نزدیک کننده قلب‌ها: یکی از آیه‌های قرآن این است که خداوند الفت دهنده قلب‌هاست و زن و شوهر را مانند لباسی برای هم آفریده است. برخی از زوجین نیز با توجه به این آیه، از خداوند می‌خواستند هنگام تنش باهم بین آنها مجدداً عطف و مهربانی برقرار کند. نرگس، دانشجوی مهندسی مکانیک در گفته‌هایش خطاب به خداوند می‌گفت "برخی اوقات وقتی روابط بین من و همسر سرد می‌شود، به خداوند می‌گویم مگر نه اینکه تو از اول بین ما مهر برقرار کردی و ما را مانند لباس هم قرار دادی، پس الان هم مهر همدیگر را به دلمان ببانداز".

امدادهای غیبی (غیر مستقیم) خداوند: بسیاری از زوجین معتقد بودند خداوند به طور غیرمستقیم و بدون اینکه آنها متوجه بشوند مشکلات زندگی زناشویی آنها را حل می‌کند.

برخی از زوجین به این کمک خداوند امدادهای غیبی می‌گفتند. عباس، حسابدار خصوصی می‌گفت "خداوند هدایتگر و حامی ماست پس باید طبق خواسته‌های خداوند عمل کنیم تا هدایت شویم و از امداد‌های او بهره‌مند شویم... من هرگاه مشکلی با همسرم پیدا می‌کنم به ذات خداوند پناه می‌برم و امدادهای غیبی او را به دفعات شاهد بوده‌ام". احمدعلی، معلم بازنشسته می‌گفت "نقش خداوند در زندگی به صورت غیر مستقیم است زیرا که من با ایمان به خداوند و تکیه بر باورها و اعتقادات مذهبی ام می‌توانم در پی مشکلات زناشویی خداوند را به عنوان بزرگترین حامی و پشتیبان احساس کنم".

تأثیرات غیرمستقیم هستی‌شناسی مذهبی

حضور و نظارت خداوند، اعمال و نیایش‌های مذهبی و کمک‌های خداوند سه شیوه‌ای بودند که به وسیله آنها زوجین نقش خداوند را به طور مستقیم در زندگی زناشویی خود احساس می‌کردند. هستی‌شناسی مذهبی به طور غیرمستقیم نیز از طریق الهام گرفتن زوجین از روایات پیامبر و ائمه معصومین (13 اولیاء دین بعد از پیامبر) و همچنین از طریق الگوگیری از سبک زندگی زناشویی آنها بر روابط زناشویی آنها تأثیر داشت. به دلیل اینکه این شیوه‌ها به طور مستقیم به نقش خداوند در زندگی زناشویی افراد اشاره نمی‌کردند، ما آنها را تحت عنوان شیوه‌های غیرمستقیم کد گذاری کردیم. حسین، کارگر کارخانه، می‌گفت "ما باید ببینیم بزرگان دین مانند پیامبر و امامان در مورد نحوه برخورد با همسر چه نکاتی به ما گفته‌اند و از آنان پیروی کنیم... ما باید زندگی آنها را الگو قرار داده تا بتوانیم رابطه زناشویی موفق‌تری داشته باشیم". الهام، که دو فرزند بیش‌فعال داشت و به خاطر عدم توانایی در کنترلشان خسته شده بود و با شوهر خود مشاجره می‌کرد می‌گفت:

وقتی من یک داستان از پیامبر شنیدم باعث شد به خودم، همسرم و فرزندانم فکر کنم و با الگوگیری از پیامبر صبرم را در مقابل رفتارهای بیش‌فعال فرزندانم افزایش دهم..... داستان این بود که پیامبر چند بچه یتیم را خیلی دوست می‌داشت و نوازش می‌کرد،

روزی فهمید یکی از آنها که از همه شیطان تر و بازیگوش تر بوده فوت کرده. او به شدت ناراحت شد و گریه کرد، گفتند چرا اینقدر او را دوست داشتی که اینچنین برایش زاری می کنی، فرمود: چون لجاجت و بازیگوشی این بچه صبر مرا زیاد کرده بود و مهر او را به دل نشانده بودم

نتایج مورد انتظار زوجین در نتیجه داشتن هستی‌شناسی مذهبی در زندگی

زناشویی

تمامی زوجینی که با آنها مصاحبه شده بود معتقد بودند که هستی‌شناسی مذهبی آنها در زندگی زناشویی به وسیله درک رابطه خداوند با ازدواج آنها موجب شده بود تا آنها عملکرد بهتری در رابطه زناشویی خود داشته باشند. گزارش زوجین از نتایج مثبت ناشی از هستی‌شناسی مذهبی شان نسبت به رابطه زناشویی را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: الف) آرامش و رضایت، ب) بخشش و گذشت، ج) تعهد و وفاداری، د) تعالی مادی و معنوی.

آرامش و رضایت: بیشترین نتیجه مثبتی که به گفته زوجین مذهبی ناشی از نوع هستی‌شناسی آنها به ازدواج بود، آرامش و رضایت آنها از زندگی زناشویی خود بود. حسن کارمند بازنشسته شهرداری می‌گفت "یاد خدا است که قلبها را در زمان بروز مشکلات آرام می‌کند.... در تمام سختیها و مشکلات زندگی می‌توانیم وجود خداوند را احساس کنیم اینکه کمکمون می‌کند و در زمان ناراحتی‌ها به ما آرامش می‌دهد". محسن و نرگس زوجی که صاحب فرزند نمی‌شدند درباره احساس نزدیکی به هم و نقش خداوند در این احساس می‌گفتند "ما در زندگی توانستیم وجود خداوند را در تمام لحظات و مراحل زندگی احساس کنیم و همین باعث هدایت و راهنمایی ما در زندگی زناشویی توسط خداوند شد.... آرامش و رضایتی که اکنون در زندگی داریم همه را مدیون خداوند هستیم، او بود که ما را در کنار هم حفظ کرد و پیوند ما را محکم‌تر کرد".

بخشش و گذشت: بخشش و گذشت از تقصیرات یکی از ویژگی‌هایی است که اسلام به شدت به پیروانش توصیه کرده و برخی از زوجین مذهبی اظهار می‌داشتند که باورهای مذهبی

آنها و دیدن خداوند در کنار خودشان باعث شده راحت تر از کنار مشکلات یکدیگر بگذرند و دیگری را به خاطر خطایش ببخشند که همین بخشش موجبات رضایت زناشویی آنها را فراهم کرده است. محسن و نرگس زوجی که صاحب فرزند نمی شدند درباره نقش خداوند در بخشش از یکدیگر می گفتند "عبادت و ایمان ما سبب می شود که با توکل بر خداوند زندگی کنیم و در برخورد با هم دارای گذشت و مهربانی باشیم و با خوشرویی حاصل از این گذشت بتوانیم زندگی خود را ادامه بدهیم". مه‌ری، مربی خیاطی می گفت "اگر رضای خداوند را در نظر داشته باشیم میتوانیم نسبت بهم گذشت داشته باشیم و عمل به کلام خداوند مشکلات را آسان می کند".

تعهد و وفاداری: تعهد به همسر یکی از ارزش های توصیه شده دینی است. اغلب زوجین احساس می کردند حضور خداوند در زندگی آنها موجب شده است که از روابط خارج از ازدواج که خداوند را ناراحت می کند دوری کنند. اکرم، وکیل دادگاه در این باره می گفت "حضور خدا و شرم از وی باعث شده تمام وظایف زناشویی و تعهدی را که یک زن باید نسبت به همسرش داشته باشد را ایفا کنم، به طوریکه نمی خواهم هیچگاه رحمت خداوند را در زندگی از دست بدهم". امیرمحمد، مهندس ساختمان، می گفت "رعایت اصول اخلاقی و شرعی در رفت و آمد با دیگران، تعهد، صداقت و وفاداری باعث اطمینان بین من و همسر و آرامش بسیار لذت بخشی در زندگی ما شده است..... این ها جز با کمک خداوند حاصل نمی شود".

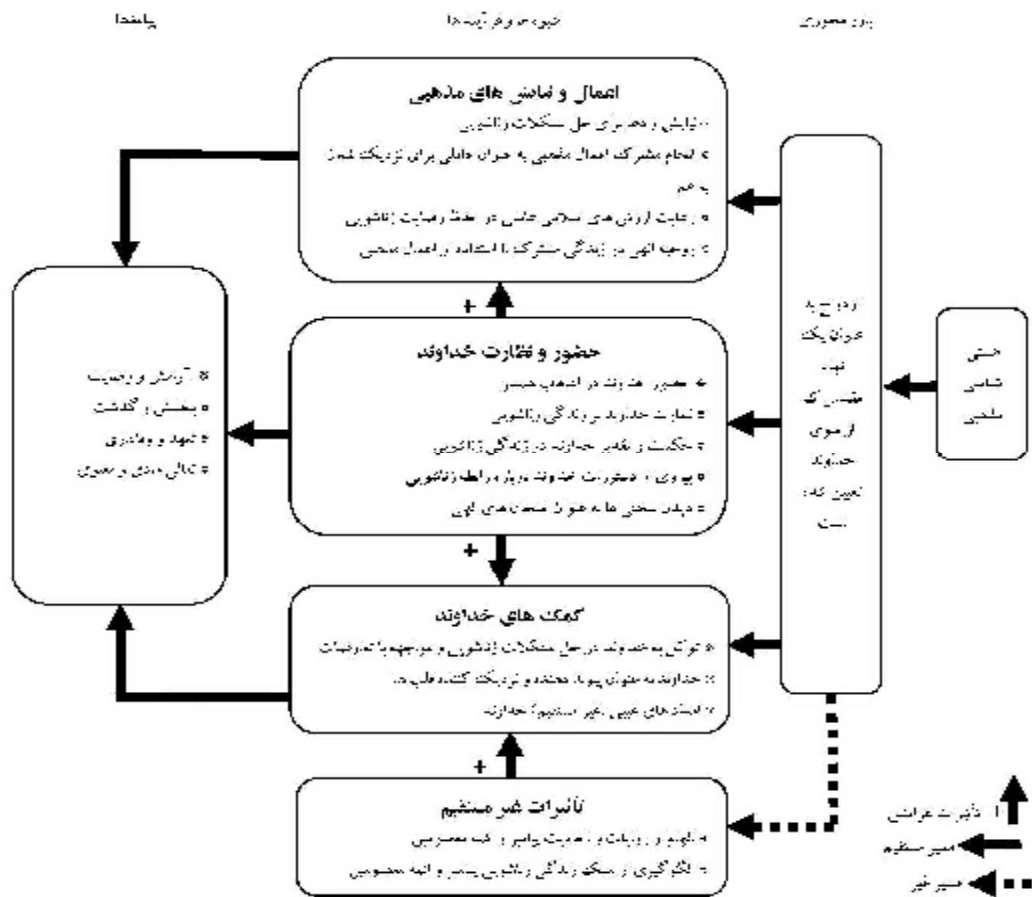
تعالی مادی و معنوی: به طور کلی، هدف هر مکتب مذهبی تعالی مادی و معنوی انسان است. برخی از زوجین احساس می کردند حضور خداوند در زندگی زناشویی آنها باعث می شود آنها سریع تر راه کمال را طی کنند و ازدواج باعث رشد بیشتر آنها شده است.

خداوند در زندگی زناشویی ما نقش هدایتگر به سوی خوشبختی ها را دارد. مریم، دانشجوی رشته الهیات می گفت "ما یادگرفته ایم اگر در راه او قدم برداریم به کمال می رسیم. پس باید به خواست خداوند کارهای خود را انجام بدهیم، زندگی مشترکی که خداوند در آن

حضور داشته باشد باعث رشد بیشتر مادی و معنوی ما می‌شود". محمود و ریحانه، زوج روانشناس می‌گفتند "وقتی زن و شوهر خداوند را در کنار زندگی زناشویی خود حاضر ببینند و از او کمک بگیرند، این زندگی تبدیل به یک نردبانی می‌شود که آنها می‌توانند برای بالارفتن از موفقیت‌های بسیاری چه از لحاظ روحانی و چه مادی از آن استفاده کنند".

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی با پیامدهای مثبتی در رابطه زناشویی همراه است (ماهونی و همکاران، 1999؛ گودمن و دولاهیت، 2006). در پژوهش حاضر هدف اصلی پی بردن به فرآیند تأثیری بود که هستی‌شناسی مذهبی بر زندگی زناشویی می‌گذارد. به عبارت دیگر، هدف جستجوی «چرایی» و «چگونگی» ارتباط بین هستی‌شناسی مذهبی و رابطه زناشویی بود. یافته‌های تجربی بسیار کمی درباره چگونگی نقش هستی‌شناسی مذهبی در زندگی زناشویی زوجین مذهبی وجود دارد (گودمن و دولاهیت، 2006). نتیجه‌گیری از یافته‌های پژوهش حاضر، متمرکز بر دوسوال درمورد چگونگی نقش خداوند در زندگی زناشویی زوجین مذهبی است: الف) هستی‌شناسی مذهبی زوجین مذهبی بالا نسبت به زندگی زناشویی چیست؟ و ب) چگونه این هستی‌شناسی مذهبی بر زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد.



شکل 1. هستی‌شناسی مذهبی و نقش مستقیم و غیرمستقیم آن بر زندگی زناشویی

نمی‌توان در مورد نتایج پژوهش حاضر، به علت ماهیت کیفی آن اظهار نظر دقیق علی و معلولی کرد. با این وجود، به دلیل اینکه زوجین به طور مکرر در گفته‌هایشان باورهای خاص مذهبی را با برخی از پیامدهای رفتاری در خودشان همراه می‌دانستند، می‌توان نتیجه گرفت که هستی‌شناسی مذهبی از طریق چه فرآیندهایی بر زندگی زناشویی زوجین اثر می‌گذاشت و چه پیامدهایی را در رابطه زناشویی آنها داشت. ارتباط بین انواع کدگذاری‌های انجام شده در

تحلیل داده‌ها، به صورت تصویری در شکل 1 آورده شده است. این مدل، ارتباط بین گفته‌های زوجین که کد گذاری شده اند را به صورت سلسله مراتبی نشان می‌دهد. مجدداً لازم به ذکر است که روابط نشان داده شده در مدل مربوط بیشتر از اینکه علی باشند، روابط منطقی هستند که از گفته‌های زوجین استنباط شده است.

تمام زوجین شرکت کننده در پژوهش حاضر معتقد بودند خداوند نقش محوری در زندگی زناشویی آنها دارد. هستی‌شناسی مذهبی در آنها، در وهله اول منجر به این مسئله می‌شد که آنها به طور کلی رابطه زناشویی را یک نهاد مقدس تعیین شده از سوی خدا بدانند که اهداف خاصی را دنبال می‌کند. همان طور که نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد، هدف این نهاد مقدس تعیین شده از جانب خدا، رسیدن به کمال مادی و معنوی بود. به عبارت دیگر، هستی‌شناسی مذهبی در زوجین باعث شده بود که آنها ازدواج را به عنوان وسیله‌ای تعیین شده از جانب خداوند، برای بهتر رسیدن به آنچه خداوند در زندگی مادی و معنوی از آنها می‌خواهد ببینند. این یافته، همسو با نتایج پژوهش ماهونی و همکاران (1999) و گودمن و دولاهیت (2006) بود. هرچند در پژوهش آنها شرکت کنندگان غیرمسلمان نیز وجود داشت و ماهیت فرآیندی که به وسیله آن خدا در زندگی زوجین مذهبی تأثیر می‌گذاشت متفاوت از یافته‌های پژوهش حاضر بود، اما به طور کلی، آنها نیز دریافتند ازدواج یک رابطه مقدس است که هدف آن رشد، آرامش و شادی زوجین است.

نتایج نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی در زندگی زناشویی زوجین هم به صورت نقش خداوند و هم به صورت باورهای، آموزه‌ها و اعمال مذهبی تجلی پیدا می‌کند. نقش هستی‌شناسی مذهبی در زندگی زناشویی زوجین به سه شیوه مستقیم و یک شیوه غیر مستقیم بود. در شیوه‌های مستقیم، زوجین به طور مستقیم به تأثیراتی که خداوند و باورهای اسلامی در زندگی زناشویی آنها می‌گذاشت اشاره داشتند و در شیوه غیر مستقیم، هستی‌شناسی مذهبی زوجین در زندگی زناشویی خود به صورت الهام‌گیری آنها از روایات و سبک زندگی اولیاء مذهبی بود. شیوه‌های مستقیم تأثیر هستی‌شناسی مذهبی بر زندگی زناشویی زوجین هم به صورت اعمال و

نیایش‌های مذهبی، ادارک حضور و نظارت خداوند و ادارک کمک‌های خداوند در زندگی زناشویی بود.

چندین پژوهش به بررسی نقش هستی‌شناسی مذهبی بر زندگی زناشویی از طریق انجام فعالیت‌های مذهبی و نیایش پراخته‌اند. رکاس (2005) اظهار می‌دارد که آموزه‌ها و اعمال مذهبی (خارج از نظر نوع مذهب) به اعضای خانواده خط‌مشی را درباره شاخص‌های مطلوب زندگی ارائه می‌دهند که عمدتاً شامل آداب و رسومی می‌شود که با پدیده‌های متعالی در هم آمیخته‌اند. دولاهیت و لامبرت (2007) دریافتند فعالیت‌های مذهبی در قدرتمندتر کردن ازدواج زوجین تأثیر دارد. در مطالعه آنها، بعضی از زوجین معتقد بودند که مذهب، علاقه مشترک اولیه آنها در زندگی زناشویان است. زمان مقدس با هم بودن برای زوجین حسی از داشتن هدف و دیدگاه مشترک به همراه داشت. برای بیان این ایده‌ها، زوجین به طور مکرر از عباراتی مانند «زمینه مشترک»، «هدف مشترک»، «دیدگاه مشترک» یا «ما با یکدیگر در یک مسیر گام بر می‌داریم» استفاده می‌کردند. نتایج پژوهش حاضر نشان داد ادراک زوجین از حضور و نظارت خداوند در زندگی زناشویی شان به رابطه آنها رنگ و بوی معنوی می‌دهد که برای آنها پیامدهای مثبتی را به همراه دارد. مذهب نظام‌های معنایی الهی به افراد پیشنهاد می‌داد که می‌توانستند تعارض‌های خانوادگی را به شیوه منحصر به فردی حل کنند. این نظام معنایی ناشی از ادراکات افراد از «تقدس» در اهداف و در شیوه دنبال کردن آن اهداف بود (پارگامنت، مورای و مگیار، 2005؛ پارگامنت و ماهونی، 2002). در نهایت ادارک زوجین از کمک‌های خداوند در زندگی زناشویان به آنها این اطمینان را می‌داد که خداوند در کنار آنهاست و با توکل به او می‌توانند موانع سخت را از پیش روی خود بردارند و تعارضات ما بینشان را برطرف کنند. این یافته با گزارش‌های دولاهیت و لامبرت (2007) همسو بود. آنها دریافتند باورها و اعمال مذهبی منبعی هستند که زوجین برای غلبه کردن و حل مشاجراتشان از آنها استفاده می‌کنند. اتکا به یک منبع معنوی برای کمک در حل تعارضات به زوجین کمک می‌کند تا به یکدیگر نزدیک‌تر شوند و ازدواجشان را مقدس کنند. آنها استدلال کردند که

درگیری مذهبی به زوجین کمک می‌کند تا خشم خود را بهتر کنترل کنند و تفاوت‌هایشان را با آرامش حل کنند.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان سه روش مستقیم اعمال و نیایش‌های مذهبی، ادراک حضور و نظارت خداوند و ادراک کمک‌های خداوند و روش غیرمستقیم الهام‌گیری زوجین از روایات و سبک زندگی اولیاء مذهبی را شیوه‌ها و فرایندهایی دانست که هستی‌شناسی مذهبی زوجین از طریق آنها به پیامدهای مثبت رابطه زناشویی منجر می‌شود. با این وجود، این چهار شیوه واسطه‌ای را نمی‌توان کاملاً از هم مستقل دانست. هرچند، استقلال آنها به حدی بود که بتوان کدهای جداگانه‌ای به هر یک داد اما ماهیت این جنبه‌ها باعث می‌شود که آنها از همدیگر تأثیرپذیر باشند. از گفته‌های زوجین می‌توان استنباط کرد که ادراک آنها از حضور و نظارت خداوند در زندگیشان، خود تأثیرات افزایشی بر اعمال و نیایش‌های مذهبی آنها و همچنین ادراک آنها از کمک‌های خداوند در زندگی زناشوییشان داشت. بدین صورت که هرچه ادراک آنها از حضور و نظارت خداوند در زندگی زناشوییشان بیشتر بود، اعمال و نیایش‌های مذهبی آنان و همچنین ادراک آنها از کمک‌های خداوند در زندگیشان نیز بیشتر بود. فراوانی تعداد کدها نیز در هر یک از زوجین نشان‌دهنده این یافته بود.

با این وجود، یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که هستی‌شناسی مذهبی زوجین به شیوه‌های مختلفی بر زندگی زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد. البته، تمامی زوجین شرکت‌کننده در پژوهش حاضر از همه این شیوه‌ها استفاده نمی‌کردند، میزان و فراوانی هر یک از شیوه‌ها و همچنین نتایج هستی‌شناسی مذهبی بر زندگی زناشویی آنها از زوجی به زوج دیگر و یا بهتر بگوییم از فردی به فرد دیگر متفاوت بود. با این وجود، این یافته‌ها اطلاعات خوبی درباره ابعاد مختلف هستی‌شناسی مذهبی در زوجین و نقش آنها بر زندگی زناشوییشان در اختیار ما می‌گذارد که می‌توان بعداً از آن برای طراحی شیوه‌های آموزشی و ارتقاء دهنده رضایت زناشویی استفاده کرد. پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز بود. به دلیل اینکه ما می‌خواستیم به نوعی از هستی‌شناسی دست یابیم که عملکرد زناشویی افراد را بالا می‌برد، تنها

محمدپور، ا. (1389). روش در روش (درباره ساخت معرفت در علوم انسانی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

منابع انگلیسی

- Baucom, D. H., Epstein, N., Rankin, L. A., & Burnett, C. K. (1996). Assessing relationship standards: The inventory of specific relationship standards. *Journal of Family Psychology*, 10, 72-88.
- Berg, B. L. (2001). *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*, 4th edition. Needham Heights, MA: Allyn & Bacon.
- Boss, P. (1980). The Relationship of Wife's Sex Role Perceptions, Psychological Father Presence, and Functioning in the Ambiguous Father-absent MIA family. *Journal of Marriage and the Family*, 42, 541-549.
- Bradbury, T. N., & Fincham, F. D. (1993). Assessing dysfunctional cognition in marriage: A reconsideration of the relationship belief inventory. *Psychological Assessment*, 5, 92-101.
- Dollahite, D.C., Hawkins, A.J., & Parr, M.R. (2012). "Something More": The Meanings of Marriage for Religious Couples in America. *Marriage & Family Review*, 48(4), 339-362.
- Dollahite, D. C., & Lambert, N. M. (2007). Forsaking all others: How religious involvement promotes marital fidelity in Christian, Jewish, and Muslim couples. *Review of Religious Research*, 48(3), 290-307.
- Eliade, M. (1957). *The sacred and the profane: The nature of religion*. Orlando, FL: Harcourt.
- Gilgun, J. F. (2005). Qualitative Research and Family Psychology. *Journal of Family Psychology*, 19, 40-50
- Goodman, M. A., & Dolahite, D. C. (2006). How religious couples perceive the influence of God in their marriage. *The Review of Religious Research*, 48, 141-155.
- Johnstone, R. L. (2007). *Religion in society: A sociology of religion* (3rd ed.). Upper Saddle River, NJ: Pearson Prentice Hall.
- Kurdek, L. A. (1992). Assumptions versus standards: The validity of two relationship cognitions in heterosexual and homosexual couples. *Journal of Family Psychology*, 6, 164-170.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13, 1-18.
- Mahoney, A., Pargament, K. I., Murray-Swank, A. B., & Murray-Swank, N. (2003). Sanctification of family relationships. *Review of Religious Research*, 44, 220-236.
- Marks, L. D. (2006). Religion and family relational health: An overview and conceptual model. *Journal of Religion and Health*, 45, 603-618.

- Martignani, L. (2011): 'All together now!' Couples and the ontological problem of cohabitation as a form of life. *International Review of Sociology: Revue Internationale de Sociologie*, 21(3), 565-581.
- Pargament, K. I., & Mahoney, A. (2002). Spirituality: Discovering and conserving the sacred. In C. R. Snyder (Ed.), *Handbook of positive psychology* (pp. 646-675). Washington, DC: American Psychological Association.
- Pargament, K. L., & Mahoney, A. (2005). Sacred matters: Sanctification as a vital topic for the psychology of religion. *International Journal for the Psychology of Religion*, 15, 179-198.
- Pargament, K. I., Murray, N., & Magyar, G. (2005). The sacred and the search for significance: Religion as a unique process. *Journal of Social Issues*, 61(4), 665-687.
- Roccas, S. (2005). Religion and value systems. *Journal of Social Issues*, 61(4), 747-759.
- Safren, S. A., Heimberg, R.G., Lerner, A. H., Warman, M., & Kendall, P.C. (2000). Differentiating anxious and depressive self-statements: Combined factor structure of the Anxious Self-Statements Questionnaire and the Automatic Thoughts Questionnaire—Revised. *Cognitive Therapy and Research*, 24(3), 327-344.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 15-28.
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Newbury Park, CA: Sage Publications.